

به نام خدا

اساتید ارجمند، پیشکسوتان گرانقدر، همکاران عزیز و پزشکان فرهیخته، سلام عرض می‌کنم و بسیار خوشحالم که در چنین روز ارزشمندی، در کنار جمعی از بزرگان و همکاران رشته پرافتخار طب داخلی حضور دارم.

۲۸ اکتبر، روزی است که فرصتی پیدا می‌کنیم تا از جایگاه و اهمیت یکی از بنیادی‌ترین رشته‌های پزشکی، یعنی «طب داخلی»، سخن بگوییم؛ رشته‌ای که شاید بیش از هر رشته دیگری، با مفهوم «پزشک بودن» و «پزشک بودن برای بیمار» عجین شده است.

متخصص داخلی، پزشکی است که بیمار را فقط از روی یک علامت، یک آزمایش یا یک عضو نگاه نمی‌کند. او بیمار را به عنوان یک انسان می‌بیند؛ انسانی که ممکن است هم‌زمان چند بیماری داشته باشد، داروهای مختلف مصرف کند، علائم متعدد و

گاه مبهم داشته باشد و نیازمند پزشکی باشد که بتواند میان این نشانه‌ها ارتباط برقرار کند.

طب داخلی، هنر دیدن تصویر کامل بیمار است.

در بسیاری از موارد، بیمار ابتدا به متخصص داخلی مراجعه می‌کند. متخصص داخلی است که در بسیاری از بیماری‌ها نخستین تشخیص را مطرح می‌کند، مسیر بررسی بیمار را مشخص می‌کند و در صورت نیاز، او را به متخصص رشته مربوط ارجاع می‌دهد. در واقع متخصص داخلی، در بسیاری از موارد، هماهنگ‌کننده درمان بیمار است.

بیماری که با تب، کاهش وزن، کم‌خونی، ضعف، درد، تنگی نفس، اختلالات گوارشی، فشار خون، دیابت یا ده‌ها علامت دیگر مراجعه می‌کند، الزاماً یک بیماری مشخص و ساده ندارد.

گاهی پشت یک علامت ساده، بیماری پیچیده‌ای پنهان شده است. اینجاست که ارزش دانش، تجربه و نگاه جامع متخصص داخلی آشکار می‌شود.

متخصص داخلی باید بتواند از میان ده‌ها یافته بالینی، آزمایش و تصویر، آنچه را که مهم است تشخیص دهد. این کار فقط با دستگاه و تکنولوژی انجام نمی‌شود. این کار به تفکر پزشکی نیاز دارد و این همان سرمایه‌ای است که نسل‌های گذشته متخصصان داخلی با سال‌ها مطالعه، تجربه و خدمت به بیماران برای ما به یادگار گذاشته‌اند.

امروز اگر از جایگاه طب داخلی صحبت می‌کنیم، باید از پیشکسوتان این رشته نیز با احترام یاد کنیم. بزرگانی که در سال‌های طبابت کردند که امکانات تشخیصی امروز وجود نداشت؛ نه تصویربرداری‌های پیشرفته امروزی بود، نه آزمایشگاه‌های گسترده، نه هوش مصنوعی و نه بسیاری از داروهای جدید. دکتر مهدی آذر، دکتر صادق پیروز عزیزی، دکتر یلدا، دکتر مرشد، دکتر نفیسی. و بسیاری از اساتید دیگر که نامشان گرامی باد.

اما آنان با گوش دادن به بیمار، معاینه دقیق و دانش پزشکی تشخیص می‌دادند و شاید یکی از مهم‌ترین درس‌هایی که باید از آنان بیاموزیم همین باشد: تکنولوژی می‌تواند به پزشک کمک کند، اما جایگزین پزشک متفکر و دلسوز نمی‌شود.

همکاران عزیز،

در کنار افتخارات و جایگاه ارزشمند طب داخلی، باید درباره مشکلات این رشته نیز صادقانه صحبت کنیم. متخصص داخلی امروز با چالش‌های متعددی روبه‌روست.

یکی از مهم‌ترین مشکلات، افزایش حجم کار و مسئولیت پزشک متخصص داخلی است. بیماران پیچیده‌تر شده‌اند. سن جمعیت در حال افزایش است. بیماری‌های مزمن بیشتر شده‌اند. تعداد داروهای مورد استفاده بیماران افزایش یافته است و بیماران، هم‌زمان از پزشک انتظار تشخیص سریع، درمان کامل، پاسخ‌گویی و در بسیاری از موارد، دسترسی دائمی دارند.

اما آیا متناسب با این افزایش مسئولیت، شرایط کاری و جایگاه حرفه‌ای متخصص داخلی نیز ارتقا یافته است؟
این پرسشی است که باید جدی گرفته شود.

مشکل دیگر، زمان محدود برای ویزیت بیمار است.

طب داخلی رشته‌ای است که به گفت‌وگو، شنیدن شرح حال، معاینه و تفکر نیاز دارد. نمی‌توان انتظار داشت پزشکی که باید یک بیمار پیچیده را ارزیابی کند، در چند دقیقه بتواند تمام ابعاد بیماری او را بررسی کند.

اگر می‌خواهیم کیفیت پزشکی حفظ شود، باید برای زمان پزشک ارزش قائل شویم. زمان پزشک، بخشی از درمان بیمار است.

موضوع مهم دیگر، وضعیت اقتصادی و تعرفه خدمات پزشکی است. وقتی فاصله میان مسئولیت پزشک، هزینه‌های واقعی ارائه خدمت و درآمد حرفه‌ای افزایش پیدا می‌کند، طبیعی است که انگیزه و آرامش پزشک تحت تأثیر قرار گیرد.

ما نباید اجازه دهیم پزشکی که سال‌ها برای رسیدن به تخصص خود تلاش کرده و مسئولیت سلامت انسان‌ها را بر عهده دارد، از نظر اقتصادی و اجتماعی احساس بی‌پناهی کند. این موضوع فقط مسئله پزشکان نیست. مسئله سلامت جامعه است.

پزشک خسته، نگران و تحت فشار، هرچقدر هم متعهد باشد، نیازمند حمایت ساختاری است.

از سوی دیگر، باید به موضوع جایگاه اجتماعی پزشک و اعتماد میان پزشک و بیمار نیز توجه کنیم.

رابطه پزشک و بیمار، رابطه‌ای صرفاً اقتصادی نیست.

این رابطه بر پایه اعتماد شکل گرفته است.

بیمار باید بتواند به پزشک خود اعتماد کند و پزشک نیز باید احساس کند که جامعه، شأن و مسئولیت حرفه‌ای او را درک می‌کند. البته پزشک نیز در برابر جامعه مسئول است. ما باید همواره کیفیت علمی خود را ارتقاء دهیم، اخلاق حرفه‌ای را حفظ کنیم و با بیمار با احترام و صبوری رفتار کنیم.

اما در کنار مسئولیت پزشک، جامعه و مسئولان نیز وظیفه دارند شرایطی فراهم کنند که پزشک بتواند با آرامش و عزت به مردم خدمت کند.

چالش دیگر، مهاجرت پزشکان و به خصوص نسل جوان پزشکی است. اگر جوانی که سال‌ها برای رسیدن به تخصص تلاش کرده، آینده روشنی برای زندگی حرفه‌ای خود نبیند، طبیعی است که به فکر رفتن بیفتد. نباید این مسئله را فقط به عنوان یک تصمیم شخصی نگاه کنیم. هر پزشک متخصصی که کشور را ترک می‌کند، حاصل سال‌ها سرمایه‌گذاری علمی و آموزشی است.

بنابراین حفظ سرمایه انسانی پزشکی باید یکی از اولویت‌های نظام سلامت باشد. ما باید کاری کنیم که جوان متخصص داخلی احساس کند آینده او در کشور خودش ارزشمند است.

همکاران عزیز،

مشکل دیگری که باید درباره آن صحبت کنیم، جایگاه واقعی متخصص داخلی در نظام سلامت است.

طب داخلی باید به عنوان یکی از پایه‌های اصلی نظام درمان شناخته شود. متخصص داخلی نباید صرفاً پزشکی باشد که بیمار قبل از مراجعه به سایر متخصصان به او مراجعه می‌کند.

بلکه باید جایگاه او به عنوان پزشک جامع‌نگر و مدیر بیماری‌های پیچیده به رسمیت شناخته شود. این جایگاه نیازمند حمایت علمی، حرفه‌ای و اقتصادی است و در این میان، نقش جامعه علمی و انجمن‌های تخصصی بسیار مهم است.

ما باید صدای منطقی و علمی متخصصان داخلی باشیم.

باید مشکلات را مطرح کنیم، اما در کنار بیان مشکلات، راه‌حل نیز ارائه دهیم. باید برای ارتقای آموزش، پژوهش، کیفیت خدمات، حقوق حرفه‌ای پزشکان و آینده نسل جوان متخصصان تلاش کنیم و شاید مهم‌تر از همه، باید احترام به پزشکی و اعتماد میان جامعه پزشکی و مردم را حفظ کنیم.

دوستان و همکاران عزیز،

امروز در روز متخصص داخلی، در کنار صحبت از مشکلات، باید از خودمان نیز پرسیم:

چرا هنوز بعد از سال‌ها، با وجود تمام دشواری‌ها، پزشکان داخلی با عشق به کار خود ادامه می‌دهند؟

پاسخ را شاید بتوان در یک کلمه خلاصه کرد: انسان.

وقتی بیماری، پس از ماه‌ها سرگردانی، سرانجام تشخیص درست می‌گیرد؛ وقتی بیماری که از درد و نگرانی رنج می‌برد، با درمان مناسب به زندگی عادی باز می‌گردد؛ وقتی خانواده بیماری به پزشک اعتماد می‌کند؛ و وقتی می‌بینیم یک انسان به واسطه دانش و تلاش ما سلامت خود را دوباره به دست آورده است؛ همین‌هاست که به پزشکی معنا می‌دهد.

این سرمایه را نباید از دست بدهیم. اجازه بدهید در این روز، از همه متخصصان داخلی کشور تشکر کنیم؛ از پیشکسوتانی که راه را برای ما باز کردند؛ از اساتیدی که دانش و تجربه خود را به نسل‌های بعد منتقل کردند؛ از متخصصان جوانی که با وجود تمام

دشواری‌ها، با انگیزه در حال خدمت هستند؛ و از تمام پزشکی‌ها که در مطب، بیمارستان، درمانگاه و مراکز درمانی، بی‌سروصدا برای سلامت مردم تلاش می‌کنند.

امروز روز شماست.

روز کسانی که شاید در بسیاری از موارد، اولین پزشکی هستند که بیمار به او اعتماد می‌کند و آخرین پزشکی هستند که برای حل یک مسئله پیچیده درمانی تلاش می‌کنند.

بیایید برای آینده طب داخلی چند خواسته روشن داشته باشیم:

اول؛ حفظ و ارتقای جایگاه علمی و حرفه‌ای متخصص داخلی.

دوم؛ ایجاد شرایط مناسب برای طبابت با کیفیت و اختصاص زمان کافی برای بیمار.

سوم؛ اصلاح منطقی و عادلانه نظام پرداخت و تعرفه‌ها.

چهارم؛ توجه جدی به رفاه، امنیت شغلی و آینده متخصصان جوان.

پنجم؛ حمایت از پژوهش و آموزش تخصصی.

و ششم؛ حفظ کرامت پزشک و بیمار در کنار یکدیگر.

ما انتظار نداریم همه مشکلات یک شبه حل شود.

اما انتظار داریم مشکلات دیده شوند، درباره آنها گفت‌وگو شود و برای آنها راه حل پیدا شود.

در پایان، اجازه بدهید سختم را با یک جمله به پایان برسانم:

طب داخلی فقط یک تخصص پزشکی نیست؛ یک نوع نگاه به انسان است. نگاهی که بیمار را مجموعه‌ای از اعضا و آزمایش‌ها نمی‌بیند؛ بلکه او را انسانی با جسم، روح، خانواده، نگرانی و امید می‌داند.

امیدوارم روزی برسد که متخصص داخلی در نظام سلامت کشور، نه فقط از نظر علمی، بلکه از نظر اجتماعی و اقتصادی نیز در جایگاهی قرار گیرد که شایسته آن است.

**برای همه پیشکسوتان و اساتید طب داخلی، سلامتی و طول عمر
آرزو می‌کنم؛ برای همکاران جوان، آینده‌ای روشن و پرافتخار؛
و برای همه پزشکان کشور، آرامش، عزت و سربلندی روز
متخصصان داخلی را به همه همکاران عزیز تبریک عرض می‌کنم.
از حضور ارزشمند شما سپاسگزارم.**

پاینده و سربلند باشید.